



فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران



ریشه ها و معانی لغوی و اصطلاحی تعلیم و تربیت

تعلیم از ریشه "علم" اخذ شده و از باب تفعیل است که آن را متعدی می سازد ، یعنی اگر علم را در معنای دانستن فرض کنیم ، تعلیم به معنای یاد دادن ، آموزش دادن یا شناساندن چیزی است ، که گاهی در فارسی برای رعایت اختصار تنها از واژه "آموزش" برای آن استفاده می شود . تعلیم را در اصطلاح می توان به صورت " جریانی که در طی آن معلم موضوعی را به متعلم آموزش می دهد" تعریف نمود

تعلیم در هر یک از این دو معنی می تواند در دو سطح عام و خاص به کار برده شود ؛ سطح عام یعنی هم برای انسان و هم برای حیوان و سطح خاص یعنی فقط برای انسان . در معنای عام یا اعم ، تفکر و تعقل در جریان تعلیم دخالت ندارند ، یعنی چه حیوان و چه انسان مطلب یا کار یا مهارتی را طوطی وار و از راه تکرار و تلقین و یا عادت می آموزند . اما اگر پای فهم و تعقل و تفکر به میان آید ، این تعلیم ، تعلیم بالاختصاص یعنی خاص انسان است

رابطه بین تعلیم و تربیت

اما در فصوص اینکه چه رابطه ای بین تعلیم و تربیت برقرار است ، حد اقل سه رویکرد را می توان مورد توجه قرار داد :

رویکرد نخست رویکرد وحدت یا این همان است که معتقد است تعلیم همان تربیت است (تعلیم = تربیت) ، زیرا هر نوع تعلیمی در هر موضوعی در عین حال که بر علم افراد می افزاید ، به طور ناخودآگاه یکی از قوای انسان را نیز پرورش می دهد . رویکرد دوم رویکرد تفکیکی است که می گوید تعلیم با تربیت فرق دارد (تعلیم ≠ تربیت) ؛ تعلیم با دانش ، آگاهی و جنبه علمی انسان سر و کار دارد و تربیت با ارزش ها ، اخلاق و منش و شخصیت او . اما رویکرد سوم ، رویکرد طیفی نام دارد (تعلیم ↔ تربیت) که می گوید تعلیم و تربیت به هم آغشته اند و با یکدیگر یک طیف را می سازند . این بدان معنی است که در تعلیم جنبه علمی غلبه دارد ، اما خالی از جنبه ارزشی و اخلاقی هم نیست و در تربیت جنبه ارزشی - اخلاقی غلبه دارد ، اما خالی از علم هم نیست

می توان به جای واژه مرکب " تعلیم و تربیت " یا معادل فارسی آن " آموزش و پرورش " فقط از واژه تربیت یا پرورش به تنهایی اما با همان معنا استفاده نمود . در این نوشتار نیز ترجیحا از واژه جایگزین " تربیت " به جای دو واژه ترکیبی استفاده شده است و می شود ، یعنی چه بگوییم فلسفه تربیت یا فلسفه تعلیم و تربیت و یا فلسفه آموزش و پرورش ، هر سه از نظر نگارنده در این نوشتار یکی می باشند .

تعریف و ویژگی های تربیت

حقیقت این است که تربیت از امور سهل و ممتنع است ، یعنی سخت ولی سهل ناست . قاعده عمومی بر این است که کمتر کیسه به سراغ امور سخت و سخت نما و یا سهل و سخت نما می رود ، چون همه از سختی فرار می کنند . اما تربیت به دلیل این که سهل ناست افراد بسیاری را به خود جذب می کند و تقریباً همه ، از مادران و مربیان تازه کار مهد کودک گرفته تا مغازه دار و سرباز و میوه فروش و رهگذران خیابان ، فکر می کنند از عهده تربیت بر می آیند . شاید یکی از دلایل آن آسان بودن کار در ابتدا و سخت شدن تدریجی آن باشد

توصیه می شود هنگام تلاش برای تعریف تربیت ، برای این که تعریف بهتر و روشن تری از آن داشته باشیم ، دو نکته را مد نظر قرار دهیم :

الف – ابتدا به جنبه سلبی تعریف تربیت توجه کنیم ، یعنی بگوییم " تربیت چه چیزی نیست " و سپس روی جنبه ایجابی آن متمرکز شویم و " بگوییم تربیت چه هست " (جنبه سلبی با نیست ها سرو کار دارد و جنبه سلبی با هست ها) . این رویکرد به فهم ما از موضوع کمک بیشتری می نماید .

ب – هنگام تعریف تربیت ، شیوه ها یا روش های تربیت را نیز در تعریف خود بگنجانیم و به آنها اشاره نماییم . در حقیقت ، اهمیت فرایند و روش در تربیت اگر بیش از نتیجه نباشد کمتر هم نیست . این رویکرد نیز همانند رویکرد الف اطلاعات دقیق و شفاف تری از تربیت را در اختیار ما قرار می دهد . با حفظ این دو نکته در ذهن ، به موضوع تربیت و مسائل مرتبط با آن می پردازیم .

جنبه سلبی تعریف تربیت (تربیت چه چیزی نیست)

تربیت حقیقه عادت دادن ، تحمیل کردن و تلقین نمودن نیست . این روش ها ، حتی اگر نتایج مطلوب مورد نظر مربیان را هم به بار بیاورند ، نباید به آن نتایج دلخوش بود و تصور نمود که تربیت صورت گرفته است . در حقیقت ، این روش ها شبه تربیت هستند . از این رو به آنها شبه تربیت گفته می شود که نتایجی مشابه با تربیت حقیقه را رقم می زنند ، اما در فرایندی نادرست . کسب نتایج موقته مطلوب آنهم از طریق فرایند نادرست سبب دلخوشی زودگذر و بدتر از آن غفلت مربیان از جریان واقعی تربیت خواهد شد و نسل را تباه خواهد ساخت و این خطرناک است

تعریف ایجابی تربیت (تربیت چه چیزی هست)

تربیت واقعا تربیت نیست مگر این که دارای مولفه تبیین گری باشد ، یعنی هرگاه ایجاد تغییرات مطلوب در افراد با تبیین همراه باشد به نحوی که متریه (یا دانش آموز) خود منطق ، منافع و مظار آن تغییرات را به درستی و به واقع درک کرده باشد ، می توان ادعا نمود نخستین خصیصه تربیت در او آشکار شده است . پس مر به نباید تنها به فکر ایجاد تغییرات مطلوب باشد ، بلکه قطعا باید به این هم فکر کند که چه موقع و با چه زبانه دلیل و چرایه و مطلوبیت آن تغییرات را هم با فرد یا افراد در میان بگذارد و چه بهتر که تکنیک یا تدبیری به کار ببندد یا زمینه ای را فراهم نماید که آنها خود به این موضوع پی ببرند

تعریف ایجابی تربیت (تربیت چه چیزی هست)

دومین خصیصه یا مولفه تربیت واقعی و بزرگه ارائه معیار است . این و بزرگه ، در واقع ادامه و بسط و بزرگه قبله است . آنچه در و بزرگه قبله مطرح بود روشن ساختن دلیل و حکمت رفتار خاص یا یادگیری مطلبه خاص بود

سومین مولفه مهم در تربیت حقیقه و بزرگه تحرک درون خود دانش آموز است . این و بزرگه نیز به ارتباط با دو و بزرگه پیشین نیست . تربیت حقیقتا تربیت نهی شود ، مگر اینکه موتور محرک دانش آموز در درون خودش وجود داشته باشد و او با شوق و اختیار و میل درون تن به کاری دهد ، نه این که از بیرون محرک او را با اکراه وادار و مجبور به حرکت نماید . اگر تحرک درون محقق شود ، می توان انتظار داشت دانش آموز یا متر به سختی های مسیر را هم تحمل نماید تا به هدفش برسد .

مولفه چهارم ، مولفه نقادی است . وقتی شخصی به آگاهی های لازم دست یافت و معیارها و انگیزه را نیز در اختیار داشت ، به طور طبیعی روحیه نقادی در او پدیدار خواهد گشت ، نقادی از خود و خصوصا نقادی از مر به ، والدین و به طور کلی نقادی از نسل گذشته خود . نقد و نقادی از جمله خصوصیات بسیار مهم در فرایند تربیت است ، زیرا دو سویه بودن امر تربیت را به وضوح مجسم می سازد .